

نقد و بررسی کتاب روش تحقیق کیفی

دکتر نجلا حوری^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات



■ سفیری، خدیجه، روش
تحقیق کیفی. تهران: پیام پویا.
۱۳۸۷، ۳۴۰ ص.
شابک: ۹۶۴-۷۹۳۳-۲۲-۳

اشاره

روش‌های پژوهش را می‌توان از جنبه‌های متفاوتی دسته‌بندی کرد، اما مهم‌ترین وجه تمایز میان رویکردهای پژوهش را باید در کمی یا کیفی بودن آنها دانست. رویکرد کیفی پژوهش، در مقایسه با رویکرد کمی، پدیده‌ها را با عمق بیشتری بررسی می‌کند و به‌واسطه مطالعه عمیق در پیرامون پدیده و بستر بروز آن، از ظرفیت لازم برای ارائه پاسخ‌های غنی‌تری به مسئله مورد پژوهش برخوردار است. موضوع‌های پژوهش در حوزه علوم اجتماعی، انسان و پدیده‌های اجتماعی هستند و از همین روست که تحقیق در علوم اجتماعی از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. مسئولیت سنگین پژوهشگران علوم اجتماعی در مطالعه پیچیدگی‌های جامعه و انسان، به‌کارگیری مناسب‌ترین روش‌ها را در اجرای تحقیقات علوم اجتماعی ایجاب می‌کند. رویکرد کیفی پژوهش در پاسخ به این نیاز مطرح گردیده و کاربرد روزافزون آن در علوم اجتماعی، آموزش آن را به یک ضرورت تبدیل کرده است. اهمیت این رویکرد پژوهشی را می‌توان از شمار فزاینده کتاب‌هایی دریافت که در دهه گذشته در این زمینه در جهان منتشر شده است. در سال‌های اخیر در کشور ما نیز منابع متعددی در این رابطه منتشر شده است. کتاب روش تحقیق کیفی یکی از کتب منتشر شده در این زمینه است. نویسنده کتاب دکتر خدیجه سفیری، عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا است و چنان که خود در پیشگفتار کتاب اشاره می‌کند، در نگارش کتاب روش تحقیق کیفی از تجربه تدریس در دوره کارشناسی ارشد علوم اجتماعی و مطالعات زنان بهره برده است.

معرفی کوتاه

کتاب روش تحقیق کیفی در سیزده فصل تدوین شده است. چنانچه نویسنده محترم در پیشگفتار مطرح می‌کند، کتاب از طراحی پژوهش کیفی آغاز کرده، سپس به فنون گردآوری داده‌ها اعم از مصاحبه و مصاحبه گروه متمرکز، روش‌های مطالعه موردی و تحلیل محتوا و روش‌های غیرواکنشی و تاریخی می‌پردازد و در فصل دوازدهم به نظریه بازکاوی و در فصل سیزدهم به شیوه نوشتن مقاله‌های پژوهشی اشاره می‌کند.

بررسی ساختاری

در بررسی کتاب، پیش از پرداختن به محتوا، ذکر نکاتی در مورد ساختار کتاب و ترتیب ارائه مطالب ضروری است. نظم ساختاری و ارائه مطالب با ترتیب منطقی، اولین ویژگی مورد انتظار در مطالعه یا بررسی هر کتابی است. کتاب روش تحقیق کیفی، از نظر فصل‌بندی و ترتیب ارائه مطالب، نظم منطقی لازم را ندارد. در کتاب‌های روش پژوهش، انتظار می‌رود هر یک از مباحث اساسی مطرح شده، به‌صورت دقیق و منسجم در مقوله‌های مشخص و با توالی منطقی ارائه شود. فصل ۴ و ۵ کتاب، به مصاحبه اختصاص یافته است که روشی برای گردآوری داده‌هاست. پس از آن در فصل‌های ۶ و ۷ دو روش از روش‌های پژوهش کیفی یعنی «قوم‌نگاری» و «اقدام‌پژوهی» و در فصل ۸ تحت عنوان «روش غیرواکنشی در پژوهش»، مطالبی در مورد داده‌هایی که گردآوری آنها به صورت غیرواکنشی است، مطرح شده است. در فصل ۹ و ۱۰ به دو روش دیگر پژوهش کیفی تحت عنوان «پژوهش تاریخی» و «مطالعه موردی» اشاره شده است. فصل ۱۱ کتاب، «مقدمه‌ای بر تحلیل

محتوا» و فصل ۱۲ به بررسی «نظریه باز کاوی» می‌پردازد. نظریه باز کاوی، معادلی است که نویسنده محترم برای "Grounded theory" برگزیده است. با توجه به پراکندگی موجود در ارائه مطالب کتاب، خواننده به سختی می‌تواند تشخیص دهد که هر یک از عناوین و مطالب فوق به کدامیک از مقوله اصلی پژوهش، یعنی روش (رویکرد) پژوهش، روش گردآوری اطلاعات و یا روش تحلیل داده‌ها مربوط می‌شود. منطقی بود که دو فصل اختصاص یافته به انواع مصاحبه، با عنوان کلی روش‌های گردآوری داده‌ها و به صورت جامع‌تر با افزودن سایر روش‌های گردآوری داده‌ها نظیر مشاهده و ... ارائه می‌شد و فصل ۸ نیز که به «روش‌های گردآوری داده‌ها» پرداخته است، با تغییرات لازم در این مقوله یعنی انواع داده‌ها و روش‌های گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی ادغام شود. لازم به ذکر است که با ملاحظه عنوان فصل ۸، در وهله اول چنین به نظر می‌رسد که پژوهشگر روشی خاص از پژوهش اشاره خواهد کرد، حال آن که «روش‌های گردآوری داده‌ها» نوعی روش گردآوری داده‌هاست و در این روش داده‌های پژوهش به شیوه‌های گردآوری می‌شوند. به طور کلی این پراکندگی در ارائه مطالب و قرار نگرفتن هر مطلب و مبحث در جای مشخص و تحت عنوان کلی مناسب، لطمه‌ای اساسی از نظر ساختاری به کتاب وارد کرده است و البته این مشکل، تنها در ساختار فیزیکی کتاب محدود نمی‌شود، بلکه درک محتوای مطالب را نیز دچار مشکل اساسی می‌کند. مشکلات ساختاری کتاب مانعی سر راه شکل‌گیری دقیق یک چشم‌انداز کلی از محتوا، محسوب می‌شود. روش‌های پژوهش مطرح‌شده در کتاب مانند «قوم‌نگاری»، «اقدام‌پژوهی»، «پژوهش تاریخی» و «مطالعه موردی» بهتر بود به طور مسلسل و به صورت متمایز و تفکیک‌شده از روش‌های گردآوری داده‌ها ارائه می‌شد. البته در کتابی که عنوان روش تحقیق کیفی را دارد، انتظار می‌رود به روش‌هایی مانند پدیدارشناسی و روش‌شناسی قوم‌شناختی^۲ (که با قوم‌نگاری متفاوت است) نیز پرداخته شود. روش‌های تحلیل داده‌ها نیز، در این کتاب، به طور جامع مطرح نشده و بخش تحلیل محتوا که به تحلیل داده‌ها می‌پردازد، از جامعیت لازم برخوردار نیست.

در پیشگفتار کتاب، نویسنده محترم اشاره می‌کند که کتاب، مراحل روش تحقیق کیفی را به طور نظری و عملی برای پژوهشگران مطرح می‌کند. با توجه به محتوای کتاب به نظر می‌رسد منظور نویسنده از جنبه عملی در کتاب، تمرین‌هایی است که در انتهای هر یک از فصل‌ها مطرح شده است. ارائه تمرین در یک کتاب آموزشی البته نکته مثبتی است اما در کتاب حاضر، در مواردی، تمرین‌ها از ابهام برخوردار است و جنبه آموزشی و کاربردی چندانی ندارند. برای مثال تمرین پیشنهادی دوم در فصل مصاحبه گروه متمرکز عیناً نقل می‌شود: «این پژوهش در مورد ترس نوجوانان از خیانت است و شرکت‌کنندگان در آن باید از قشرهای مختلف جامعه، مردها، زن‌ها، نژادها، قوم‌ها و افرادی با تحصیلات مختلف، یک گروه متمرکز را شناسایی کنند» (ص ۱۶۵). اصطلاح شرکت‌کنندگان، در متون روش تحقیق کیفی و در بحث مصاحبه، به مفهوم مصاحبه‌شوندگان و شرکت‌کنندگان در مصاحبه است، حال آن که در این تمرین چنین چیزی معنا پیدا نمی‌کند و در این مطلب که «شرکت‌کنندگان باید ... یک گروه متمرکز را شناسایی کنند» به نظر می‌رسد منظور از شرکت‌کنندگان، پژوهشگران (یعنی مصاحبه‌کنندگان) هستند. مثال دیگری از یک تمرین، که مربوط به مسائل اخلاقی پژوهش است، در ادامه نقل می‌شود: «... و سپس مصاحبه‌هایی غیررسمی با شرکت‌کنندگان در پژوهش انجام می‌دهد و مشاهدات خود را بالا می‌برد...» (ص ۹۱) در جمله فوق مشخص نیست که بالا بردن مشاهدات به چه

معنایی است. تمرین‌ها در مجموع برخلاف نظر نویسنده محترم در پیشگفتار که یکی از نوآوری‌های کتاب راه ارائه مثال‌هایی از فرهنگ ایران امروز می‌داند (ص ۱۶)، به نظر الهام‌گرفته از متون خارجی هستند که کم و بیش در اکثر تمرین‌ها قابل مشاهده هستند و یک نمونه آشکار آن، پیشنهاد اول در تمرین مربوط به تحلیل محتوا در فصل ۱۱ است که بخشی از آن عیناً نقل می‌شود: «پیشنهاد اول: یک موضوع جالب مثل جنایت، پیشرفت علوم پزشکی، بوم‌شناسی یا فن‌آوری را انتخاب کنید و ببینید در شماره‌های مختلف نشریه‌های نیویورک تایمز و ساندی دیک^۳ این موضوع چگونه تشریح شده است...» (ص ۲۸۳).

بررسی محتوایی

کتاب از نظر محتوای علمی نیز کم و کاستی‌هایی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اصولاً در کتاب‌های روش تحقیق کیفی از مباحث اصلی بحث اعتبار (روایی) و پایایی است که در کتاب مورد بررسی مبحث مشخصی در این مورد مشاهده نمی‌شود. بحث اعتبار و پایایی در پژوهش کیفی به ویژه دارای اهمیتی اساسی است و از آن‌جا که شیوه‌های تعیین اعتبار و پایایی در دو رویکرد پژوهشی کمی و کیفی بسیار متفاوت است، پرداختن به این مبحث در کتابی با عنوان روش تحقیق کیفی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. این مبحث در متون و منابع روش تحقیق کیفی به طور مفصل مورد توجه قرار گرفته است که می‌توان به کتاب‌های لینکلن و گوبا (۱۹۸۸)؛ گوبا و لینکلن (۱۹۸۹)؛ حریری (۱۳۸۵) و فلیک (۲۰۰۲) به عنوان نمونه اشاره کرد. نویسنده کتاب روش تحقیق کیفی، در صفحه ۲۴ کتاب، Triangulation را در قالب مطالبی تحت عنوان استفاده از روش پژوهش مثلث‌سازی مطرح می‌کند، اما با توجه به پراکندگی مطالب و عدم صراحت در بحث مطرح شده ارتباط این مطالب نیز با اعتبار و پایایی پژوهش کیفی، روشن نمی‌باشد. دو واژه اعتبار و روایی در صفحات ۲۴۳ و ۲۴۴ در مبحث تاریخ‌نگاری و تاریخ شفاهی در دو تیتیر جداگانه مشاهده می‌شوند اما مطالب ذیل آنها به نقد بیرونی و نقد درونی اسناد و منابع تاریخی مربوط می‌شود. نکته جالب دیگر این است که نویسنده کتاب، واژه روایی را معادل Reliability قرار داده است. در حالی که روایی در متون روش تحقیق، معادل Validity و همان اعتبار است و معادل مناسب برای Reliability واژه پایایی است که در متون روش تحقیق نیز معمولاً از این معادل استفاده می‌شود. نمونه دیگری از معادل‌گزینی نامناسب، استفاده از «نظریه باز کاوی» برای Grounded theory است. معادلی که معمولاً در متون روش تحقیق کیفی برای این اصطلاح به کار می‌رود «نظریه زمینه‌ای» است. البته معادل‌های دیگری نیز برای این اصطلاح به کار رفته که به هر حال مناسب‌تر از نظریه باز کاوی هستند که از نظر معنایی مناسبتی با Grounded theory ندارد.

در فصل ۲ «طراحی پژوهش کیفی»، بخشی با عنوان نمونه‌گیری آمده است (ص ۵۶-۶۰). به رغم این که بحث نمونه‌گیری در پژوهش کیفی بسیار متفاوت از پژوهش کیفی است، آن‌چه در این بخش مطرح شده، در واقع مباحثی است که در نمونه‌گیری پژوهش کمی مطرح می‌شود. هر چند اشاره‌ای کوتاه به نمونه‌گیری غیراحتمالی شده و چند مورد از این نوع روش نمونه‌گیری نیز مطرح شده است، اما عمده مطالب ارائه‌شده، به شیوه‌های نمونه‌گیری پژوهش کمی اختصاص دارد. این مطالب برای خواننده‌ای که قصد اجرای پژوهش با رویکرد کیفی را دارد، نه تنها جنبه آموزشی ندارد، بلکه کاملاً گمراه‌کننده است. بحث در مورد انواع نمونه‌گیری احتمالی در کتابی که مربوط به روش تحقیق کیفی است، نه تنها فاقد توجیه منطقی است،

کتاب‌های تألیفی فارسی، همخوانی دقیق استنادات درون متنی با فهرست منابع رعایت نشده است و علاوه بر مورد فوق، موارد دیگری از عدم دقت در ذکر استنادات درون متنی در فهرست منابع مشاهده می‌شود که به‌عنوان نمونه می‌توان به مواردی اشاره کرد: در صفحه ۲۵۷ به پاکدان و بیکن، ۱۹۹۲ استناد شده، اما در فهرست منابع اثری از منبع مربوطه مشاهده نمی‌شود. در صفحه ۹۸ به جی. برگ، ۱۹۸۶ استناد شده، در حالی که در فهرست مطالب چنین منبعی وجود ندارد و حتی دو منبعی نیز که نویسنده آنها برگ جی. (در ردیف B به جای J) هستند مربوط به سال ۱۹۸۶ نمی‌باشند.

کتاب فاقد نمایه و واژه‌نامه است. کتاب‌های علمی جدید معمولاً دارای نمایه جامع و دقیقی هستند که دسترسی به اطلاعات داخل متن را برای خواننده آسان تر می‌کنند. بهتر بود برای استفاده کامل و دقیق از کتاب، نمایه جامعی برای آن تهیه می‌شد. وجود واژه‌نامه نیز از ضروریاتی است که در کتاب‌های علمی آموزشی، معمولاً باید مورد توجه قرار گیرد. استفاده از معادل‌های ناآشنا که گاهی فهم متن را برای خواننده دشوار می‌کند، بر ضرورت وجود واژه‌نامه‌ای کامل از اصطلاحات به کار رفته در متن، می‌افزاید، که کتاب مورد بررسی به این مهم نیز نپرداخته است. در مجموع کتاب روش تحقیق کیفی، به استناد مطالبی که بیان شد، دارای نقاط ضعفی است که انتظار می‌رود نویسنده محترم در تجدید چاپ کتاب به این نکات توجه لازم را مبذول فرماید.

پی‌نوشت‌ها:

1. Nadjlahariri@hotmail.com
2. Ethno methodology
- ۳ - در اصل کتاب نیز عنوان نشریه‌ها با حروف پررنگ نوشته شده است.
4. Theoretical sampling
5. Extreme case sampling
6. Intensity sampling
7. Maximum variation sampling
8. Homogeneous sampling
9. Typical case sampling
10. Critical case sampling
11. Stratified purposeful sampling
12. Random purposeful sampling
13. Criterion sampling

ماخذ:

۱. حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
2. Flick, U. (2002). An introduction to qualitative research. 2nd ed. London: Sage.
3. Guba, E. G. and Lincoln, Y. S. (1989). Fourth generation evaluation. Newbury Park, CA: Sage.
4. Lincoln, Y. S. and Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. Beverly Hills, CA: Sage.
5. Patton, M. Q. (1990). Qualitative evaluation and research methods, 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sage.

بلکه این آموزش نادرست را به خواننده می‌دهد که نمونه‌گیری تصادفی را نیز می‌توان در رویکرد کیفی به کار برد. حال آن که در پژوهش کیفی نمونه‌گیری احتمالی و انواع نمونه‌گیری تصادفی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در مبحث مربوط به نمونه‌گیری در کتاب روش تحقیق کیفی مطالبی که تحت عنوان نمونه‌گیری مطرح شده، مشابه مطالبی است که معمولاً در کتاب‌های روش تحقیق کمی مطرح می‌شوند و هیچ اشاره‌ای به تفاوت‌های شاخص نمونه‌گیری در پژوهش کمی و کیفی نشده و این اشکالی اساسی برای کتابی است که آموزش روش تحقیق کیفی را هدف خود قرار داده است. لازم به توضیح است که انتخاب نمونه در پژوهش کیفی براساس ملاک‌های نمونه‌گیری نظری^۴ و هدفمند انجام می‌گیرد. نمونه‌ها معمولاً کوچک هستند و به صورت عمیق مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در تحقیق کیفی، نمونه به تمامی از پیش تعیین شده نیست و انتخاب به صورت تدریجی با پیشروی در فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها انجام می‌گیرد. روش‌های نمونه‌گیری در رویکرد کیفی متعدد است و در متون و منابع پژوهش کیفی مانند پاتون (۱۹۹۰)؛ حریری (۱۳۸۵) دست کم به ۱۶ روش نمونه‌گیری مورد استفاده در تحقیقات کیفی، اشاره شده است که برخی از آنها عبارتند از: نمونه‌گیری از موارد افراطی یا حاد^۵، نمونه‌گیری از موارد شدید یا مزمن^۶، نمونه‌گیری با حداکثر تنوع^۷، نمونه‌گیری از موارد همگون^۸، نمونه‌گیری از موارد نماد واقعی^۹، نمونه‌گیری از موارد بحرانی^{۱۰}، نمونه‌گیری طبقه‌ای هدفمند^{۱۱}، نمونه‌گیری تصادفی هدفمند^{۱۲} (انتخاب تصادفی از میان موارد موجود در یک نمونه هدفمند که البته این نوع نمونه‌گیری هم با هدف تعمیم‌پذیری انجام نمی‌گیرد و نمونه معرف جامعه نیست)، نمونه‌گیری بر اساس معیار و ... اشاره کوتاهی که به نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند در کتاب شده، نیز نمونه‌گیری را از زاویه کمی مد نظر قرار داده است. نویسنده کتاب در صفحه ۵۸ در اشاره به روش‌های غیراحتمالی می‌نویسد: «گاه در علوم اجتماعی موقعیت‌هایی پیش می‌آید که فرد با محدودیت‌های نمونه‌گیری احتمالی مواجه می‌شود و نمی‌تواند از انواع نمونه‌های احتمالی استفاده کند؛ در چنین حالتی پژوهش بر اساس نمونه‌گیری غیراحتمالی انجام می‌شود». این مطلب که در توضیح استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی مطرح شده، در واقع توجیهی برای استفاده از این رویکرد نمونه‌گیری در پژوهش‌های کمی است و در پژوهش کیفی به سبب ماهیت ویژه تحقیق کیفی، اصولاً از روش‌های غیراحتمالی نمونه‌گیری استفاده می‌شود. کتاب همچنین در مورد نمونه‌گیری هدفمند نیز مطلب کوتاهی دارد که عیناً نقل می‌شود: «این نوع نمونه‌گیری گاه به وسیله پژوهشگران انجام می‌شود و در حین آن، از تخصص یا دانش خاص پژوهشگر در مورد برخی گروه‌ها، برای انتخاب موضوعاتی که نمایانگر آنها باشد استفاده می‌شود. جوانان بزه‌کار که ممکن است به تعداد کافی برای انجام راه کارهای تصادفی سنتی در دسترس نباشند به این شیوه نمونه‌گیری می‌شوند» (ص ۵۹). این مطالب که در توضیح نمونه‌گیری هدفمند مطرح شده در واقع استفاده از روش هدفمند را در پژوهش‌های کمی مطرح می‌کند که به دلایلی امکان نمونه‌گیری تصادفی در آنها وجود ندارد، حال آن که در پژوهش کیفی، روش هدفمند تماماً به‌عنوان شیوه غالب نمونه‌گیری، استفاده می‌شود و دلیل این انتخاب، در دسترس نبودن تعداد کافی برای انجام راه کارهای تصادفی نیست.

استنادی که نویسنده در صفحه ۵۹ ذیل مطلب نقل شده فوق آورده نیز در فهرست منابع موجود نیست. ظاهراً منبع مطلب یاد شده گلاسنر و دیگران (۱۹۶۳) است، اما در فهرست منابع در بین سه منبعی که نویسنده آنها گلاسنر است سال ۱۹۶۳ وجود ندارد. در کتاب حاضر نیز مانند برخی